

مشخص شد
کمر بند اصلی
خشخاش همچنان
سالم باقی مانده،
چون آن زمین‌ها
برای رهبران
قبایل قدرتمند و
متنفذین افغان
است و آنها به
پلیس افغانستان
رشوه‌های سنگین
دادند تا زمین‌شان
سالم بماند

سپتامبر ۲۰۰۵ نویمان، سفیر امریکا، تلگراف محرمانه‌ای به واشنگتن زد و نسبت به بحران فساد در افغانستان هشدار داد و امریکارا به خاطر تعامل با بعضی از چهره‌های غیرموجه مقصر دانست و پیشنهادهای دادگرای برخی از بدنام‌ترین‌ها را از دولت‌ش اخراج کند از جمله احمدولی کرزای، برادر ناتنی رئیس‌جمهور که دلال قدرت در قندهار بود و گل‌آغاش‌زای، فرمانده سابق مجاهدین که هر دو مصونیت سیاسی داشتند. احمدولی با سیا همکاری نزدیکی داشت و با ارتش امریکا معامله‌های پرسودی بسته بود و شرزای نیز بعد از کمک به امریکا برای تصرف قندهار، فرماندار ننگرها شده بود و بارشوه، ثروت انبوهی برای خودش به هم زده بود.

این فهرست اما به همین جا ختم نمی‌شد. امریکایی‌ها با محمد آخوندزاده، فرماندار هلمند که به برقراری نظم بی‌رحمانه شهرت داشت و البته مافیای صنعت تریاک بود، تا حدی ارتباط داشتند که بعضی فرماندهان شک داشتند که نیروهای ارشد امنیتی امریکا در زمینه مواد مخدر با او کار می‌کنند و از او رشوه می‌گیرند یا نه. ژنرال مک‌نیل، فرمانده نظامی می‌گفت: «آخوندزاده آدم کثیفی بود، اما می‌توانست ثبات را حفظ کند، چون مردم از او می‌ترسیدند. برای همین ترجیح می‌دادم از او حمایت کنم.» در سال ۲۰۰۵ و با تغییر ساختار فرماندهی ناتو، انگلیسی‌ها قبل از به عهده گرفتن مسئولیت هلمند، خواستار برکناری آخوندزاده شدند و با تصرف دفترش یک انبار بزرگ تریاک کشف و او برکنار شد.

یکی دیگر از این جنگ‌سالاران، محمد قاسم فهیم خان بود. او فرمانده شبه‌نظامیان تاجیک در ائتلاف شمال بود و به همین خاطر وزیر دفاع دولت جدید افغانستان شد. او نیروهایش را در ارتش چید و به خاطر سابقه پرتنش او با کرزای، احتمال کودتا یا ترور کرزای وجود داشت تا جایی که امریکا برای حفاظت از کرزای، محافظ امریکایی گماشت. او همچنین تلاشی برای پنهان کردن دخالت خود در تجارت مواد مخدر نداشت. در دوره‌ای که کراکر از طرف او با به‌عنوان سفیر در افغانستان منصوب شده بود، فهیم خان معاون رئیس‌جمهور بود. کراکر، او را اینگونه توصیف می‌کند: «من هیچ تردیدی نداشتم که او واقعاً خطرناک است. او را قادر به انجام هر گناه و جنایتی می‌دانستم.»

فصل یازدهم جنگ تریاک

در ژوئیه ۲۰۰۰ وقتی ملا عمر، رهبر یک چشم‌طالبان تریاک را غیراسلامی خواند و دستور توقف کشت داد، عملاً کشت آن متوقف شد. برآوردهای سازمان ملل نشان می‌داد کشت خشخاش در این سال ۹۰ درصد کاهش داشته است. پس از تهاجم امریکا به افغانستان و فروپاشی طالبان، کشاورزان از این مسأله سوءاستفاده کردند و کشت خشخاش به بالاترین میزان خود رسید، تا حدی که یک سوم کل تولید اقتصادی افغانستان را شامل می‌شد و ۸۰ تا ۹۰ درصد کل تریاک جهان را تأمین می‌کرد.

در سال ۲۰۰۲ و با افزایش شدید کشت خشخاش، کنگره به دولت فشار جدی آورد تا جلوی کشت خشخاش را در افغانستان بگیرد. بوش، سازمان ملل و متحدان اروپایی را مجاب کرد تا در این زمینه طرحی ارائه دهند. بریتانیایی‌ها مسئولیت این کار را به عهده گرفتند و پس از مدتی به این طرح رسیدند: «به کشاورزان برای نابود کردن هر جریب خشخاش، ۷۰۰ دلار بدهیم.» این مبلغ برای کشور جنگ‌زده و فقیری مثل افغانستان، رقم هنگفتی محسوب می‌شد. نتیجه این برنامه ۳۰ میلیون دلاری این بود که کشاورزان تا جایی که توان داشتند، خشخاش کاشتند و بخشی از محصول خود را به انگلیسی‌ها دادند و باقی را در بازار آزاد